

هزاره‌های اسماعیلیه افغانستان، تاریخ، اعتقادات، مراسم و مناسک

□ جواد زاهدی *

چکیده

هزاره‌ها ساکنان اصلی و بومی افغانستان بوده و از نظر مذهبی اکثراً شیعه اثناعشری هستند، به پیامبر ﷺ و اهل بیت و ولایت مولا علی علیه السلام اعتقاد راسخ دارند ولی بخش قابل توجهی از هزاره‌ها پیرو مذهب اسماعیلیه و حنفی می‌باشند. در مورد تاریخ، اعتقادات و مراسم مذهبی اسماعیلیه‌ها پرسش‌های زیادی وجود دارد؛ این مذهب از کی در این منطقه رواج یافته، جمعیت پیروان آن چقدر است، در کدام مناطق زندگی می‌کنند، باورهای اعتقادی و مراسم مذهبی آنان چگونه هست و در افغانستان با چه فراز و نشیب‌های همراه بوده، خیلی مشخص نیست و در این زمینه آمار دقیق و قابل اعتماد وجود ندارد. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی تلاش شده است تا برای پرسش‌های فوق پاسخ بیابد. در مجموع به این نتیجه رسیده است که فرقه اسماعیلیه از همان آغاز پیدایش در افغانستان نفوذ کرده و با فعالیت‌های علمی، فرهنگی و مذهبی ناصر خسرو از سال ۴۴۴ تا ۴۸۱ هـ، در بلخ و بدخشان و سایر مناطق گسترش یافت و به دلیل صعب‌العبور بودن بدخشان از قتل‌عام مغولان در امان ماند و بدخشان تبدیل شد به پناهگاه امن و مرکز اصلی فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی این فرقه ولی بعد از حاکمیت استبداد و تعصبات کور مذهبی در افغانستان، دوران طلایی آنان به پایان رسید، از نظر علمی، فرهنگی و اقتصادی دچار انحطاط و افول گردید، عقاید آنان با خرافات و توهمات آمیخته شد؛ در مورد حضرت علی علیه السلام و امامان اسماعیلیه غلو می‌کنند و به

*. فارغ‌التحصیل سطح چهار فقه و اصول جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.

احکام شرعی التزام چندان ندارند. در مناطق مختلف عمدتاً در بدخشان با فقر و فلاکت زندگی می‌کنند؛ البته در این اواخر مؤسسه آقاخان وضعیت اقتصادی آنان را اندکی تغییر داده است. کلیدواژه‌ها: هزاره، هزاره‌های اسماعیلیه، تاریخ، باورها و مناسک.

مقدمه

مذهب اسماعیلیه یکی از زیرشاخه‌های مذهب تشیع است که بعد از شهادت امام صادق علیه السلام به وجود آمده و به مرور زمان، مذهب و آیین عرفانی، باطنی و جریان فکری فلسفی خاصی را تشکیل داده است. این نوع باور و اعتقاد از همان ابتدا در مناطق مختلف جهان اسلام نفوذ کرد و نقش بسیار مهمی را در تشکیل تمدن اسلامی و ایجاد میراث علمی، فرهنگی و فلسفی این تمدن قدرتمند ایفا نمود. بعد از شیعیان اثناعشری پیروان اسماعیلیه بیشترین جمعیت مسلمانان شیعه‌مذهب را تشکیل می‌دهند و در ۲۵ کشور جهان زندگی می‌کنند که افغانستان یکی از آن کشورهاست. (دفتری، ۱۳۷۵) به دلیل بیش از سیصد سال حاکمیت استبداد و تعصبات کور مذهبی در افغانستان، عموم شیعیان مخصوصاً پیروان مذهب اسماعیلیه از نظر سیاسی، اجتماعی و مسائل مذهبی تحت فشار قرار داشتند و در خفقان زندگی می‌کردند، برای بقا وزنده ماند راه و روش تقیه و پنهان‌کاری را در پیش گرفته باورها، اعتقادات و مناسک مذهبی خود را از دیگران مخفی و پنهان می‌کنند و با هیچ‌کسی در این مورد سخن نمی‌گویند، لذا در مورد باورهای اعتقادی و مناسک مذهبی آنان هیچ‌گونه اطلاعات قابل اطمینان در دسترس نیست، مجموعه از خرافات و توهمات به آنان نسبت داده می‌شود که تفکیک و قضاوت درباره آن‌ها کار بسیار سخت و دشوار است و از طرفی در این مورد کدام تحقیق قابل قبولی نیز انجام نگرفته است، دانشمندان و صاحب‌نظران خود آنان نیز در مورد اعتقادات، مراسم و مناسک خودشان چیزی نوشته و به نشر نرسیده‌اند، در حقیقت تاریخ، اعتقادات، باورها، مراسم و مناسک مذهبی اسماعیلیان افغانستان در هاله از ابهام قرار دارد و به تحقیق و کار بی‌طرفانه و منصفانه نیاز دارد، تا اعتقادات اصلی آنان از خرافات و پیرایه‌های که با آن آمیخته شده است تفکیک شده و از هم جدا شود و از اتهامات واهی و به‌ناحق پیراسته گردد.

آغاز پیدایش مذهب اسماعیلیه

اسماعیلیان یکی از گروه‌های شیعه می‌باشند که بعد امام جعفر صادق علیه السلام، فرزند ایشان اسماعیل را امام می‌دانستند. (شهرستانی، ۱۴۱۵) اسماعیلیه بعد از اثنا عشری‌ها پرجمعیت‌ترین گروه شیعه را تشکیل می‌دهند، در سال ۱۴۸هـ.ق- (۷۶۵م) گروه مذهبی و سیاسی جدیدی را تشکیل دادند و بر اساس همان باوری که به امامت اسماعیل داشتند؛ اسماعیلیه نام گرفتند و جهت براندازی عباسیان قیام نمودند. این گروه مذهبی- سیاسی معتقد بودند که حکومت عدل، توسط امامی از فرزندان اسماعیل بن جعفر به وجود می‌آید و بعد از آن به ترویج اندیشه و باورهای خود تلاش ورزیدند و در سده اول از موجودیت خود به موفقیت‌های دست یافتند، در مصر حکومت فاطمیون را تشکیل دادند و همین‌طور در قلعه الموت ایران تشکیلات قدرتمندی را به وجود آوردند، عقاید و باورهای خود را مکتوب و نظام‌مند کردند ولی به‌مرور زمان کم رونق شدند. در شرایط حاضر پیروان این مذهب در کشورهای همانند: هندوستان، تانزانیا، کنیا، افغانستان، تاجیکستان و اندکی هم در ایران به‌صورت پراکنده زندگی می‌کنند. لشکریان مغولان به قلعه الموت حمله نموده بسیاری از اسماعیلیان نزاری ساکن در آن قلعه را کشتند، کتاب‌های مذهبی و آثار مکتوب آنان را به آتش کشیده و نابود کردند، بقایای آنان در مناطق مختلف آسیای میانه پراکنده شدند، امام و رهبر فعلی آنان کریم آقاخان مقیم پاریس هست، اما اسماعیلیان مستعلوی که در دوره حاکمیت فاطمیان در مصر بودند، فعلاً بیشتر آنان در هند می‌باشند، اسناد مکتوب و منابع دسته اول مذهبی خود را حفظ نموده و در اختیار دارند ولی منتشر نمی‌کنند. (دفتری، ترجمه بدرهی، ۱۳۷۵، ۳ و ۶۲۲. مجله موعود، ۱۳۹۶، ۶۰).

اصول عقائد مذهب اسماعیلیه

عقاید و باورهای اسماعیلیان همانند عقاید پیروان سایر مذاهب و فرقه‌ها دارای اصول و قواعدی هست که به‌صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اصول عقاید اسماعیلیه را محقق طوسی در قواعدالعقائد به شرح زیر نقل کرده است:

در مورد آفرینش عالم

اسماعیلیان بر این باور هستند که خداوند متعال به واسطه حقیقتی که از آن با کلمه‌ی «کن» تعبیر می‌شود، دو عالم را آفریده است:

۱. عالم باطن

عالم باطن، عالم امر و عالم غیب است و مشتمل بر عقول، نفوس، ارواح و حقایق کلی است و نزدیک‌ترین موجود این عالم به خداوند متعال عقل اول است.

۲. عالم ظاهر

عالم ظاهر که عالم خلق و شهادت است مشتمل بر اجزای علوی و سفلی و اجسام فلکی و عنصری است و بزرگ‌ترین موجودات این عالم، به ترتیب، عرش و پس از آن کرسی و در مرحله بعد از آن اجسام دیگر است. این دو عالم چنان‌که از کمال به نقصان تنزل یافته، از نقصان به کمال بازمی‌گردد تا این‌که به امر الهی که با کلمه‌ی «کن» تعبیر می‌شود، منتهی شود، و بدین ترتیب آغاز و انجام سلسله‌ی هستی خداست.

همچنین آن‌ها در مسئله امامت، امام را مظهر عالم امر، حجت و مظهر عقل اول (عقل کلی) می‌دانند، و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مظهر نفس کل، یعنی امام می‌دانند. امام حاکم بر عالم باطن و معلم دیگران است. کسی جز به واسطه‌ی او عالم باللّه نمی‌گردد، و پیامبر حاکم بر عالم ظاهر است و قوام شریعت به اوست. و هرگز زمان از پیامبر یا شریعت او خالی نخواهد بود، چنان‌که از وجود امام و دعوت او نیز خالی نخواهد بود، و امام گاهی پنهان می‌گردد، ولی دعوت او ظاهر خواهد بود تا این‌که حجت از جانب خدا بر بندگان تمام گردد.

در مورد مراتب نبوت قائل‌اند در روی زمین یک «ناطق» وجود دارد و او پیامبری صاحب شریعت است، یعنی پیامبری که قانون الهی را که به وسیله‌ی فرشته به او القا می‌شود ابلاغ می‌کند. ناطق، مشابه زمینی عقل اول - که دعوت در آسمان را آغاز کرد - است.

همچنین در روی زمین یک «وصی» موجود است و او امامی است که وارث بلافصل

پیامبر و کسی است که بنیاد و اساس امامت و نخستین امام هر عصر است. وظیفه‌ی مخصوص او به‌عنوان امین راز نبوت، تأویل است که ظاهر را به معنی مکتوم، یعنی به اصل آن می‌رساند؛ وصی، مشابه عقل دوم است.

علاوه بر این یک امام وجود دارد که وارث امام اساس است و وظیفه‌ی او ایجاد تعادل میان ظاهر و باطن، که پیوستگی آن‌ها ضروری است، است. (طوسی، ۱۴۱۳، ۴۵)

تاریخ ورود اسماعیلیان به افغانستان

طبق برخی نقل‌ها محمد فرزند اسماعیل پس از وفات امام جعفر صادق علیه السلام، به ری و دماوند رفت و در آنجا سکونا گزید و تعدادی از پیروان خود را به قندهار، هند و سند برای تبلیغ کیش اسماعیلی فرستاد. زمانی که محمد بن اسماعیل در دماوند به سر می‌برد، هارون الرشید جمعی را برای دست‌گیری او فرستاد اما او به فرغانه (تاجیکستان) رفت و در اثر فعالیت‌های مذهبی او عده زیادی از مردم طالقان، بدخشان و ... افغانستان امروزی دعوت او را پذیرفتند. در حدود سال ۲۸۰ هجری شخصی بنام غیاث یکی دیگر از دعوت‌گران کیش اسماعیلیه از ریه به بالا مرغاب افغانستان رفت و امیرحسین بن علی مروزی که از امیران حکومت سامانی بود به پیروی از مذهب اسماعیلیه دعوت نمود و بعد از اجابت او بسیاری از مردم مناطق طالقان، فاریاب، هرات، غور و غرjestان بر اثر نفوذ و دعوت امیر مروزی، مذهب اسماعیلیه را پذیرفتند (خواجہ نظام الملک، ۲۵۳)، ولی بیشتر مردم مناطق مرکزی افغانستان در آواخر سده سوم هجری در زمان حکومت امیر اسماعیل سامانی با دعوت فردی به نام ابوبلال هزاره مذهب اسماعیلیه را پذیرا شدند که با واکنش شدید سامانیان مواجه گردید و سرکوب شد و امیر حسین مروزی دستگیر و زندانی گردید. بعد از امیر حسین بن علی و ابوبلال هزاره، شخص دیگری بنام احمد نسفی پرچم دعوت را برداشت و رهبری فرقه اسماعیلیه را بر عهده گرفت، با درایتی که داشت دربار سامانیان را فتح و امیر نصر سامانی به پیروی از مذهب اسماعیلیه قانع نمود و خود وزیر مشاور دربار سامانی شد. (پیشین، ۲۶۶)

اسماعیلیان در زمان حکومت غزنویان و غوریان بشدت سرکوب شدند ولی در عین حال

بأنفوذ به دربار غوریان از تبلیغ آیین اسماعیلیه دست برداشتند. در قرن چهارم ناصر خسرو دانشمند توانمند، متکلم نامدار، شاعر نام‌آور فارسی‌زبان و فیلسوف توانا، بزرگ‌ترین نقش را در گسترش کیش اسماعیلیه و تعمیق تعالیم آن در افغانستان، ایفا نمود، او به دیدار خلیفه فاطمی در مصر رفت و به‌عنوان داعی تعلیم و تربیت یافت. در سال ۴۴۴(ه‍.ق) به بلخ بازگشت و به‌عنوان داعی و یا حجت خراسان، کار فرهنگی و تبلیغی خود را آغاز نمود، سپس در بدخشان ساکن شد و به تبلیغ و دعوت به مذهب اسماعیلیه پرداخت و در سال ۴۶۵(ه‍.ق) درگذشت و جنازه او بر فراز تپه‌ای کوچکی، در یمگان(بدخشان) به خاک سپرده شد و امروزه آن قریه بنام محله‌ای «حضرت سید» معروف شده و در نزدیکی فیض‌آباد مرکز بدخشان افغانستان قرار دارد و ساکنان محلی مقبره او را همچون زیارتگاهی پاس می‌دارند. (دفتری، ۱۹۹۹. خواتی، ۱۳۸۲)

قتل عام و سرکوب اسماعیلیان در افغانستان

هزاره‌های اسماعیلیه در افغانستان بعلاوه این‌که به دلیل تفاوت نژادی و مذهبی همواره مورد خشم و سرکوب حاکمان و سایر اقوام در افغانستان قرار داشتند، از سوی جامعه هزاره شیعه اثناعشری نیز مورد بی‌مهری قرار گرفته و طرد می‌شدند. در زمان غزنویان و ... بأنفوذ فقهای اهل سنت در دربار غزنویان، بارها فتوای ارتداد و قتل عام آنان صادر گردید، قتل عام و غارت شدند ولی بیشترین قتل عام و سرکوب هزاره‌های اسماعیلیه هم‌زمان با سرکوب شیعیان اثناعشری در زمان حاکمیت عبدالرحمن اتفاق افتاد. در سال ۱۳۰۵(ه‍.ق)، هزاره‌های اسماعیلیه به دلیل استتکاف از پرداخت مالیات، توسط حاکمان محلی و مأموران دولت عبدالرحمن در مناطق چون ترکمان، پارسا و شیخ علی در ولایت پروان مورد تعقیب قرارگرفت اموال و دارایی و زمین‌های‌شان مصادره، بعضاً زنان و دختران‌شان را نیز به اسارت بردند و مردان را زندانی کردند. در سال ۱۳۰۶(ه‍.ق) از مناطق چون رستاق، شغنان، دوشان، حضرت امام صاحب و... بدخشان که مناطق اصلی اسماعیلیان بودند، توسط دولت سرکوب و بالاجبار از خانه‌ها و محل سکنا‌ی‌شان کوچانده شدند. بخشی از این حوادث و

رخدادها را ملا فیض محمد کاتب هزاره، این‌گونه بیان داشته است: «هزاره‌های آفاخان محلاتی مشرب»، از مناطق شیخ علی، تاله و برفک در سال ۱۳۰۷ هـ به ترمرد از حکومت پرداختند و در پی آن، حکومت به سرکوب آنان پرداخت و در این سرکوب، غیر اسماعیلیان منطقه نیز به کمک نیروهای دولتی اعزام‌شده از کابل برمی‌خیزند. پس از مدتی در همین سال درگیری شدید دیگری بین نیروهای دولتی و اسماعیلیان از طوایف «کرم علی»، «علی جم» و «نیک‌پی» (از هزاره‌های شیخ علی) اتفاق می‌افتد. در ادامه جنگ و گریز، سرانجام هزاره‌های اسماعیلی به سنگلاخ‌ها و مغارات و سوراخ‌های کوه‌ها پناه می‌برند و عبدالرحمن خان دستور می‌دهد که جنگجویان دولتی همه اموال ایشان را تملک کنند و اسیران را به کابل بفرستند. (خواتی، ۱۳۸۲، سابق) در نتیجه درگیری حکومت عده‌ای از هزاره‌های اسماعیلی را از شیخ علی به فیض‌آباد بدخشان، چند خانوار را به دره نعلبک دوآب و ۵۳ خانوار از اهل ترمیشی را به بلخ و مزار شریف تبعید می‌کند و عده‌ای هم به کوه‌ها پناه می‌برند. برخی از اسماعیلیان شیخ علی نیز به گرشک و لهورگرد در هرات تبعید می‌شوند و تعدادی هم در کارگاه‌های پرده بافی و کارخانه چرم‌گیری و حکاکی به کار گمارده می‌شوند. (خواتی، ۱۳۸۲، ۱۵)

گستره جغرافیایی محل زندگی اسماعیلیان افغانستان در سده اخیر

تعصب مذهبی خفقان و استبداد حاکمان افغانستان در سده‌های اخیر سبب شد که اسماعیلیان به کتمان هویت، پنهان‌کاری و حفظ اسرار روی بیاورند. به همین دلیل آمار روشنی از تعداد، باورها، نحوه عملکرد مذهبی، سنت‌ها و آداب رسوم آنان به صورت دقیق در دست رس نبوده و برای بسیاری از شهروندان افغانستان ناشناخته است. هزاره‌های اسماعیلی در برخی موارد خود را اثناعشری و در موارد دیگر صوفی مذهب معرفی می‌کرده‌اند و فقط در برخی از مناطق و ولایات مذهب خود را آزادانه آشکار می‌نمودند. آنچه مسلم است، شیعیان اسماعیلی در ولایات چون: بدخشان، کابل، بامیان، میدان، پروان، بغلان، کنر، لغمان، کاپیسا، سمنگان و زابل و ... حضور دارند. (خواتی، ۱۳۸۲، ۱۹)

۱. بدخشان: اصلی‌ترین جای شیعیان اسماعیلی ولایت بدخشان و نواحی آن است که مرکز

اصلی فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی ناصر خسرو در آنجا بود و قبر ناصر خسرو نیز در این منطقه است و نزد بسیاری از مردمان اهل سنت نیز از جایگاه و احترام خاصی برخوردار است.

۲. کابل: شیعیان اسماعیلی در نواحی کابل پیروی سلسله نزاری محمدشاهی و معروف به علی‌اللهی می‌باشند.

۳. بامیان: در ولایت بامیان، اسماعیلیان در مناطق، شیر؛ شنبلیله؛ عراق و دره شکاری زندگی می‌کنند.

۴. میدان: در این ولایت در مناطق سیاه سنگ؛ کالو و بهسود حضور دارند که در برگزاری مراسم عزاداری محرم و آداب آن، تفاوت چندانی با اثناعشری‌ها ندارند. هرچند از سوی اثناعشری‌ها به عنوان غلات شناخته می‌شوند.

۵. پروان: بعد از ولایت بدخشان، یکی از مراکز پرتراکم اسماعیلیه، ولایت پروان است و بیشتر اسماعیلیان امروزی ولایت کابل نیز از پروان به آنجا نقل مکان کرده‌اند. بیشترین مناطق اسماعیلی نشین در پروان، درّه شیخ علی و سرخ پارسا است که شامل طوایف علی جم؛ کرم علی؛ نیک‌پی و برمک می‌باشند.

۶. بغلان: در ولایت بغلان، اسماعیلیان در مناطق دوشی؛ تاله؛ برفک؛ درّه کیان؛ کیله‌گی و لرخاب سکونت دارند.

۷. کتر، لغمان، کاپیسا و ننگرهار: در این استان‌ها بیشتر نورستانی‌ها حضور دارند که اصالت یونانی دارند و جدید الاسلام گفته می‌شوند، زیرا بعدها به دین اسلام مشرف شده‌اند. این مناطق پس از تشرف به دین اسلام نورستان نام گرفت و پیش از آن به کافرستان معروف بود.

۸. سمنگان: در ولایت سمنگان، اسماعیلی‌ها در مناطق و بخش‌های درّه صوف و روی دوآب زندگی می‌کنند.

۹. زابل: در ولایت زابل، طوایف پاینده محمد (دادخان، صحبت خان و محمدخان) که از طوایف دایچوپان می‌باشند، اسماعیلی هستند. غیر از ولایت‌های نامبرده، در ولایت‌های قندهار، فاریاب، جوزجان، بلخ و... نیز احتمالاً گروه‌های از اسماعیلیان حضور دارند که اطلاع دقیقی از آن‌ها در دست نیست. (خواتی، ۱۳۸۲)

عقائد و باورها

هزاره‌های اسماعیلیه مانند سایر اسماعیلیان به امامت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام باور دارند و او را که در حال حیات پدر فوت کرده، دارای این مقام می‌دانند و منکر امامت امام موسی کاظم علیه السلام هستند. جمعی اسماعیل را زنده، قائم و امام منتظر می‌دانند و مدعی هستند که خبر فوت او از جانب امام جعفر صادق علیه السلام مصلحتی بوده است و برخی دیگری از این فرقه باور دارند که اسماعیل پس از انتخاب پسرش محمد به امامت فوت کرده و محمد بعد از امام جعفر صادق علیه السلام امام شیعیان است. بعضی دیگر از این فرقه معتقدند که امام جعفر صادق علیه السلام، محمد بن اسماعیل را به امامت منصوب نمود. اسماعیلیه را به دلایل همین اعتقادات و باورهای خاص‌شان بنام‌های «قراطمه»، «باطنیه»، «تعلیمیه»، «سبعیه»، «ملاحده» و ... نیز یاد می‌شوند. (دانشنامه فقه، اسماعیلیه) بر اثری انشعابات که در فرقه اسماعیلیه در قرن پنج هجری قمری رخ داد و اسماعیلیه به دو گروه نزاریه و مستعلیه تقسیم شدند، هزاره‌های اسماعیلی پیروی فرقه نزاریه هستند و سلسله امامان آن‌ها آقاخان‌ها می‌باشند. (مجله موعود، ۱۳۹۶، ۶۰) این فرقه به تقمص و تناسخ ارواح اعتقاد دارند، لذا گوشت نمی‌خورند. به عقیده آن‌ها وقتی علی علیه السلام از جهان رفت به آفتاب بازگشت، بدین مناسبت آفتاب را هم «علی‌الله» می‌خوانند. آنان اصالت قرآن موجود را مخدوش می‌دانند و برخی نیز آن را مجهول دانسته‌اند. آنان بر این اصل باور دارند که روح خداوند در امام دمیده می‌شود بعد از رحلت و یا شهادت آن امام از کالبد او به کالبد امام بعدی منتقل می‌گردد. به عقیده آنان محمد صلی الله علیه و آله، رسول «علی‌الله» بوده است و چون خداوند متعال دانست که محمد صلی الله علیه و آله برای امور رسالت تنهاست، خود به جهت یاری پیامبرش به کسوت بشری درآمد. آداب و رسوم آنان با آداب و رسوم توجه‌های هندی و جوه اشتراک فراوانی وجود دارد از جمله این‌که مسجد ندارند، آداب طهارت را لازم نمی‌دانند، گوشت خوک نمی‌خورند، شراب نمی‌نوشند، چند زنی را جایز نمی‌دانند، طلاق را جایز نمی‌دانند و به نظام عالمی غریب و خاص اعتقاد دارند. همچنین به عقیده این فرقه «خداوند جهان را آفرید، اختیار و اراده آن را به دست حضرت علی سپرد و او، قاسم ارزاق است و اوست که در بالین هر محتضر، چه

مؤمن و چه کافر، حاضر می‌شود، قبض روح شیعیان، حساب و کتاب روز قیامت به دست اوست. آنچه برای یک انسان سعادت می‌آورد، میزان عشق و علاقه او به حضرت علی علیه السلام و بقیه ائمه اسماعیلیه است. بهترین عمل، کاری است که امام زمان از آن خوشنود شود. بنابراین، اگر یک شیء گران بها در نزدیکی از اسماعیلیه باشد، او موظف است که آن را اول به امام زمان یا نایبش عرضه کند؛ اگر قبول کرد، از آن امام است، وگرنه صاحب اصلی اش دوباره می‌تواند آن را تصرف کند. مردم وظیفه دارند که از راه‌های گوناگون اسباب لذت و کامرانی امام‌شان را فراهم کنند. لذت بردن امام عیب نیست؛ زیرا جهان به طفیل او خلق شده است و تمام ثروت‌های جهان در واقع از آن اوست و او صاحب اختیار اصلی زمین است. اگر مالی در دست دیگران باشد، امانتی است از امام. اسماعیلیان سالانه مبلغی به عنوان عشریه به امام و یا نماینده او می‌دهند. تعدادی از هزاره‌های که از ظلم و بیداد عبدالرحمن به بخارا فرار کرده و مهاجر شده بودند، با وجود آن سالانه مبلغی را برای امام خود در بمبئی هند ارسال می‌کردند و همه ساله از طرف رهبر و امام شان رمز شناخت برای آنان ارسال گردید که کسی جز اسماعیلیان از این رمز آگاه نمی‌شوند و آن را نمی‌فهمند. (خواتی، ۱۳۸۲)

هزاره‌های اسماعیلی و احکام دینی

باکمال تأسف اسماعیله‌ها به بسیاری از احکام ضروری دین مقدس اسلام معتقد نیستند و به آنان عمل نمی‌کنند، در ذیل بعضی از آن موارد ذکر خواهد شد.

۱. روزه ماه مبارک رمضان

هزاره‌های اسماعیلیه ملتزم به روزه ماه مبارک رمضان نیستند؛ البته برخی از آنان فقط روزه‌های اول، پانزدهم و آخر ماه مبارک رمضان را روزه می‌گیرند. (خواتی، ۱۳۸۲)

۲. نمازهای یومیه

اغلب اسماعیلیه‌ها نماز نمی‌خوانند، و البته گاهی یک نماز جماعت به شکل مدور برپای

می‌کنند که آن‌هم طبق برنامه، نظم و ترتیب خاصی نیست و بیشتر تصادفی است. توجه ایشان در عدم التزام به نماز و روزه این است که ما معصوم از خطا نیستیم و همواره مرتکب گناه و لغزش می‌شویم و نماز و روزه بدون مصونیت از معصیت و خطا سودی ندارد! (خواتی، ۱۳۸۲)

۳. اعتقاد بر این‌که امام محور عالم هستی است

اسماعیلیان بر این باورند که امامانشان محور عالم هستی هستند و بر اساس این باور دچار غلو، حلولیت و تناسخ هستند. آنان معتقدند که امروز پرنس کریم آقاخان تجسم علی علیه السلام است و روح آن حضرت در کالبد ایشان مجسم شده است و علی علیه السلام تجسم یافته در کالبد آقاخان، خدا هست؛ بنابراین آنان بر این باورند که خدا، علی و آقاخان هر سه یکی هستند. تنها وظیفه ما کسب رضایت آقاخان و اطاعت از او و احترام اوست و همین مایه نجات خواهد بود.

۴. اعتقاد به تعلق خمس به تمام اموال

اسماعیلیان باور دارند که به همه مایملک و درآمدهایشان خمس تعلق می‌گیرد و باید خمس تمام هر آنچه را که به دست می‌آورند و یا از آن استفاده می‌کنند باید بپردازند، حتی اگر پنج پیمانانه آب از نهر بردارند، باید یک پیمانانه را به عنوان خمس و به یاد آقاخان در کنار درخت یا روی سبزه‌ای بریزند. همچنین از پنج دختر یکی را باید به عنوان خمس به رهبران محلی خود بدهند و آنان این دختران را برای آقاخان نگهداری می‌کنند تا او در مورد آنان تصمیم بگیرند؛ خود تملک کند، یا به عقد کس دیگری درآورد. (خواتی، همان)

با توجه به وجود این‌گونه باورهای خرافی و انحرافات معلوم می‌گردد که اسماعیلیان امروز افغانستان از فقر فرهنگی شدیدی رنج می‌برند و افراد آگاه در میان آنان بسیار محدود و کم هستند و به تحول تغییر اساسی و بنیادی در باورها و اعتقاداتشان نیاز دارند.

آیین چراغ روشن

سنت و رسم "چراغ روشن"، یکی از باشکوه‌ترین پدیده‌های عقیدتی و مذهبی اسماعیلیان

آسیای مرکزی است، که در بدخشان افغانستان، تاجیکستان، مناطق شمال پاکستان و منطقه‌ای ترکستان چین به‌عنوان سنت تشریفات مذهبی رایج است. این مراسم در این مناطق به نام "دعوت ناصری"، "دعوت سید نا ناصر خسرو"، "دعوت پیر"، و "چراغ روشن"، نیز معروف و مشهور است. این سنت مطابق عنعنه مردمان مناطق یادشده در روز سوم بعد از وفات شخص متوفا، مطابق تشریفات ویژه برگزار می‌شود. این آیین در بردارنده سیاق مشحون از هدایت، نورانیت، مواظبت معنوی پیروان آیین اسماعیلی است که به آن مدیحه خوانی یا "مداح خوانی" نیز اطلاق می‌شود. قرائت آیاتی از قرآن، ابیات و سروده‌های عرفانی در بخش نخست مراسم تشریفات چراغ روشن اجرا می‌شود. خلیفه که شخصیت دوم روحانی و متولی امورات عقیدتی در میان اسماعیلیان بعد از پیر است، چراغ دان، قندیل، پنبه و روغن زرد را که کاربردش در میان مردمان آسیای میانه رایج است تهیه و تدارک می‌بیند. شخص خلیفه فتیله را مطابق رسم و شیوه مرسوم مردمان مناطق یادشده تاب‌داده و متن "چراغ نامه" را که در بردارنده سیاق عرفانی و معنوی و ادبی چراغ روشن است، قرائت می‌کند. آن‌هایی که در مراسم احتفال در خانه و منزل اقارب متوفا، حضور دارند، به گونه دسته‌جمعی با خلیفه و سایر اشتراک کنندگان در تکرار ابیات، سروده‌ها و درود، همخوانی می‌کنند. این مراسم شامل زینت باطنی، معنوی و ارزش عرفانی است که با فرستادن درود و صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت و چهارده معصوم علیهم‌السلام پی گرفته می‌شود. (پیکار، وبسایت سیمای شغنان)

تاریخچه پیدایش چراغ روشن

درباره تاریخ پیدایش این آیین و فلسفه آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی چون برتلس و ا. خماروف بر این باورند که «چراغ روشن کنی» تاریخ خیلی قدیمی داشته و از آیین مهرپرستی و دین زرتشتی برای اسماعیلیان به میراث مانده است. محقق پاکستانی، عزیز الله نجیب، برعکس مدعی است که این سنت با دین زردشتی ارتباطی ندارد و برخاسته از تشیع اسلامی است. (پیکار، همان) نتایج برخی از تحقیقات نیز حاکی از آن است سنت «چراغ روشن کنی» به آیین مهرپرستی و زرتشتی ارتباطی ندارد زیرا در اوستا هیچ اشاره‌ای به این

موضوع نشده است، علاوه بر آن اجرای آیین‌های ادیان پیش از اسلام در قرآن مجید و احادیث نبوی و سخن امامان ممنوع شده و به‌جا آوردن این سنت‌ها از سوی پیروان مذاهب اسلامی غیرممکن است. (شاهزاده، ۱۳۸۵) برخی دیگر آیین چراغ روشن کنی را زادهٔ بینش و تفکر ناصرخسرو می‌دانند که برای پیشبرد دعوت کیش و آیین اسماعیلیه در آسیای میانه و آسیای جنوبی، به‌ویژه مناطق شمال پاکستان بکار برده است.

چراغ روشن و انحراف

آیین چراغ روشن یا چراغ روشن کنی مانند هر مناسک دینی دیگر دستخوش تغییر و انحراف شده و از آن مسیر و اهداف عرفانی اولیه خود از نظر محتوای ابیات و سروده‌ها و نحوهٔ اجرا دچار تحریف و تغییر شده است. از طرفی برخی تحصیل‌کردگان غربی درصدد جلوگیری از این تحریف و انحراف هستند تا مدل و شکل سروده و اجرای مراسم را به‌صورت یکنواخت بین پیروان هزاره‌های اسماعیلیه و سایر اسماعیلیان نزاری به اجرا در بیاورند. (پیکار، وبسایت سیمای شغنان).

جمعیت

همان‌طور که اعتقادات و باورها، مراسم و سنت‌های اسماعیلیان مبهم و غیرقابل دسترس است آمار آنان نیز نامشخص است آماری رسمی و قابل اعتمادی در مورد جمعیت آنان در افغانستان وجود ندارد و در این مورد به قاطعیت نمی‌شود آماری را اعلام نمود. برخی جمعیت هزاره‌های پیرو مذهب اسماعیلیه را سه درصد کل جمعیت افغانستان می‌دانند که باید حدود سه تا سه و نیم میلیون نفر برآورد می‌شود. (خواتی همان) برخی دیگر یک و نیم میلیون نفر اعلام کرده‌اند. (شریعتی، وبسایت بامیان‌نیوز)

طالبان و هزاره‌های اسماعیلیه

باتسلط طالبان بر افغانستان در سال (۱۹۹۶-۲۰۰۱م) رنج و مشکلات عموم شیعیان از آن جمله

هزاره‌های اسماعیلیه چند برابر شد و از نظر فرهنگی آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیر بر فرهنگ این مردم وارد شد؛ کتابخانه‌های بدخشان و دره کیان بخصوص کتاب‌های نفیس خطی تک‌نسخه و منابع مکتوب اسماعیلیان کلاً سوزانده و یا غارت شد و نابود گردید. هرچند که قبل از آن نیز دسترسی به منابع مکتوب آنان دشوار بود ولی بعد از این حوادث دسترسی و دستیابی به عقاید و باورها، آداب و رسوم آنان ناممکن گردید، قضاوت و داوری منصفانه در مورد اعتقادات و رسوم آنان نیازمند به تحقیقات گسترده میدانی است. (خواتی، همان)

هزاره‌های اسماعیلیه و بنیاد آقاخان

تشکیلات آقاخان

کریم آقاخان چهارم در حال حاضر، از شبکه‌ای شامل ۳۰۰ مؤسسه و برنامه آموزشی که در «هند»، «پاکستان»، «افغانستان»، «کنیا، تانزانیا و چندین کشور دیگر جهان وجود دارد، حمایت و پشتیبانی می‌کند و کارهای اقتصادی زیادی را در دست اجرا دارد. قطب این فرقه، تشکیلات وسیع و سازمان‌یافته‌ای را در سراسر جهان تشکیل داده که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- AKA - آکادمی آقاخان که هدف آن عضوگیری و آموزش جهت تبلیغ و نشر اعتقادات و اهداف این فرقه در کشورهای مختلف جهان و شهرها هست.

۲- AKES - خدمات آموزشی آقاخان؛ این تشکیلات نیز در کشورها و شهرهای مختلف جهان مسئولیت آموزش پیروان اسماعیلیان را بر عهده دارد و به صورت بسیار جدی فعالیت می‌کند.

۳- AKF - بنیاد آقاخان؛

۴- AKFED - صندوق توسعه اقتصادی آقاخان که جهت برنامه‌ریزی مالی و تأمین بودجه تبلیغاتی این فرقه فعالیت می‌کند.

۵- AKPBS - ساختمان برنامه‌ریزی آقاخان.

۶- AKT - فرهنگ آقاخان.

۷- AKU - دانشگاه آقاخان.

۸- UCA - دانشگاه «آسیای مرکزی»، بنیاد تمرکز که برای ترویج و گسترش عقاید این فرقه، دانشجویان را از سراسر دنیا به صورت رایگان پذیرش می‌کند.

۹- خدمات ترویج صنعتی

۱۰- دانشکده پزشکی آقاخان

۱۱- مدرسه پرستاری

۱۲- مرکز اسماعیلیه «لندن»

۱۳- بنیاد جوایز معماری آقاخان

۱۴- بیمارستان آقاخان «کراچی»

و دیگر نهادها و مؤسساتی که در سراسر دنیا جهت تبلیغ، عضوگیری و تأمین بودجه‌های کلان که صرف گسترش فرقه و تبیین آن در کشورهای دنیا، بالأخص کشورهای جهان سوم می‌گردد. (مجله موعود، ۱۳۹۶، ۶۰)

بنیاد آقاخان در افغانستان

آقاخان که نام کامل او والاحضرت شهزاده کریم آقاخان چهارم است، حدود ۱۵ میلیون پیرو در سرتاسر جهان دارد. پیروانش بیشتر در قاره‌ای آفریقا، آمریکا، اروپا و آسیا زندگی می‌کنند که بیشتر آنان در کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان و ایران ساکن هستند. (رازق مأمون، وبلاگ اسماعیلیان افغانستان) بنیاد آقاخان افغانستان یکی از معروف‌ترین مراکز خدماتی در افغانستان به شمار می‌رود. فعالیت‌های عمرانی، آموزشی، صحتی و خدماتی، مهم‌ترین سرفصل‌های کاری این بنیاد را تشکیل می‌دهد که علاوه بر هزاره‌های اسماعیلیه، پیروان سایر مذاهب را نیز تحت پوشش برنامه‌های خدماتی خوددارند. بنیاد آقاخان در افغانستان که واحد افغانستان بنیاد آقاخان بشمار می‌رود، در کنار شبکه توسعه آقاخان، یکی از صدها بنگاه و مرکز فعالیت مربوط به اسماعیلیان نزاری است. هرچند که اصلی‌ترین هدف بنیاد

آقاخان در افغانستان، بهبود شرایط زندگی پیروان مذهب اسماعیلیه نزاری در جغرافیای افغانستان است، اما خرابی عمومی وضعیت در ابعاد مختلف در جای جای افغانستان باعث شده که این بنیاد، در مناطق دیگری که ساکنین غیر اسماعیلی مذهب در آنجا زندگی می‌کنند نیز پروژه‌های عمران و اقتصادی را اجرا نماید. البته این رویکرد بنیاد آقاخان، در تمام جهان با همین شکل پیگیری می‌شود و تمامی شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آقاخان که تعداد آن‌ها بالغ بر سیصد مؤسسه و قریب به یکصد هزار کارمند می‌رسد، تلاش می‌کنند تا از اسماعیلیه نزاری، چهره‌ای معتدل و انسان‌دوست نشان دهند و در کنار راه‌اندازی بنگاه‌های اقتصادی درآمدزا، به ارائه خدمات عام‌المنفعه بپردازند. بنیاد آقاخان افغانستان با استخدام پیروان اسماعیلیه که عمدتاً هزاره هستند در اجرای پروژه‌ها و همچنین اعطای بورسیه تعلیم و آموزش، تحول عظیمی را در پیشرفت و مشارکت هزاره‌های اسماعیلی ایجاد کرده است. (بنیاد آقاخان چیست؟، خبرگزاری اطلس)

نتیجه

الف) اسماعیلیه یکی از فرقه‌های شیعه هست که به امامت اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام، باور دارند و بعد از شیعیان اثناعشری پرجمعیت‌ترین گروه شیعه می‌باشند و در سال ۱۴۸هـ.ق- (۷۶۵م) به جود آمد، در مصر حکومت فاطمیون را تشکیل دادند و در قلعه الموت ایران تشکیلات قدرتمندی را به وجود آوردند، عقاید و باورهای خود را مکتوب و نظام‌مند کردند. در شرایط حاضر پیروان این مذهب در ۲۵ کشور مختلف جهان از جمله: آمریکا، اروپا، هندوستان، تانزانیا، کنیا، افغانستان، تاجیکستان و اندکی هم در ایران به صورت پراکنده زندگی می‌کنند. لشکریان مغولان به قلعه الموت حمله نموده بسیاری از اسماعیلیان نزاری ساکن در آن قلعه را کشتند، کتاب‌های مذهبی و آثار مکتوب آنان را به آتش کشیده و نابود کردند، بقایای آنان در مناطق مختلف آسیای میانه پراکنده شدند، امام و رهبر فعلی آنان کریم آقاخان مقیم پاریس هست.

ب) هزاره‌های اسماعیلیه در افغانستان دارای جمعیت قابل توجه بوده و پشتوانه خوبی

برای شیعیان دوازده‌امامی محسوب می‌گردد چون از نظر باورهای مذهبی شیعه و از حیث نژاد هزاره هستند، لذا به طور طبیعی می‌توانند باهم متحد شوند. این فرقه از همان آغاز پیدایش در افغانستان نفوذ کرد و با فعالیت‌های علمی، فرهنگی و مذهبی ناصر خسرو دانشمند توانا در بلخ، بدخشان، بغلان، بامیان، پروان، قندهار و زابل گسترش یافت و بدخشان به مرکز اصلی فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و گنجینه آثار مکتوب فرقه نزاری تبدیل شد ولی به دلیل حاکمیت استبداد و تعصبات کور مذهبی در افغانستان، عموم شیعیان مخصوصاً پیروان مذهب اسماعیلیه از نظر سیاسی، اجتماعی و مسائل مذهبی تحت فشار قرار داشته و در خفقان زندگی می‌کردند، برای بقا و زنده ماندن راه و روش پنهان‌کاری را در پیش گرفته اعتقادات و مناسک مذهبی خود را از دیگران مخفی و پنهان می‌کنند، به همین خاطر است که اعتقادات، مراسم و مناسک مذهبی آنان در هاله از ابهام قرار دارد و مجموعه از خرافات و توهمات به آنان نسبت داده می‌شود که تفکیک و قضاوت درباره آن‌ها کار بسیار دشوار است.

ج) اسماعیلیه به فرقه‌های گوناگونی منشعب شده و در سیر تطورات تاریخی خود فراز و فرود فراوان داشته، در مصر و قلعه الموت حکومت تشکیل دادند. برخی از منابع اسماعیلیان را به سه گروه عمده اسماعیلیه خالص، مبارکیه و قرامطه دسته‌بندی کرده‌اند ولی بنام‌های سبعیه، تعلیمیه و ملحدیه نیز یاد می‌شوند. آنان باور دارند که خداوند متعال عالم هستی را به واسطه حقیقت کلمه‌ی «کن» آفریده و به عالم باطن که مشتمل بر عقول، نفوس، ارواح و حقایق کلی هست و عالم ظاهر که عالم خلق و شهود و اجزای علوی و سفلی اجسام فلکی می‌باشند تقسیم کرده است و مسئله امامت را مظهر عالم امر، حجت و مظهر عقل اول و حاکم بر عالم باطن می‌دانند و بر این باورند که امامانشان محور عالم هستی هستند و کریم آقاخان تجسم علی علیه السلام است و روح آن حضرت در کالبد ایشان مجسم شده است و علی علیه السلام تجسم یافته در کالبد آقاخان، خدا هست؛ بنابراین آنان بر این باورند که خدا، علی و آقاخان هر سه یکی هستند؛ دچار غلو، حلولیت و تناسخ شده‌اند، رضایت آقاخان و اطاعت از او را وظیفه اصلی و مایه نجات خود می‌دانند. باکمال تأسف به بسیاری از احکام ضروری دین مقدس اسلام التزام عملی ندارند و به آن‌ها عمل نمی‌کنند؛ ماه مبارک رمضان

روزه نمی‌گیرند، مگر بعضی از روزهای آن را، اغلب نماز نمی‌خوانند، و البته گاهی یک نماز جماعت به شکل مدور برپای می‌کنند که آن‌هم طبق برنامه، نظم و ترتیب خاصی نیست و بیشتر تصادفی است. توجیه می‌کنند که ما معصوم نیستیم مرتکب گناه و لغزش می‌شویم، نماز و روزه همراه با معصیت و خطا سودی ندارد!

د) این فرقه ادعا دارند که محمد فرزند اسماعیل پس از وفات امام جعفر صادق علیه السلام، در ری سکونت گزید و تعدادی از پیروان خود را به قندهار، هند و سند برای تبلیغ مذهب اسماعیلیه فرستاد. بعد از آن مورد تعقیب مأموران خلیفه قرار گرفت به فرغانه (تاجیکستان) رفت و بعد از سال ۲۸۰ هجری به مرو رود - فاریاب، هرات، غور و غرجستان مردم را به کیش اسماعیلی دعوت نمود. اسماعیلیان در زمان حکومت غزنویان و غوریان بشدت سرکوب شدند با این حال ناصر خسرو دانشمند و شاعر نام‌آور، بزرگ‌ترین نقش را در گسترش کیش اسماعیلی و تعمیق تعالیم آن در افغانستان، ایفا نمود، او به دیدار خلیفه فاطمی در مصر رفت و در آنجا تعلیم دید، سال ۴۴۴ (ه.ق) به بلخ بازگشت و به‌عنوان داعی و حجت خراسان، کار خود را آغاز نمود، سپس در بدخشان به تبلیغ مذهب اسماعیلی پرداخت و در سال ۴۶۵ (ه.ق) در آنجا درگذشت و در یمگان در نزدیکی فیض‌آباد به خاک سپرده شد. هزاره‌های اسماعیلی در برخی موارد خود را اثناعشری و در موارد دیگر صوفی مذهب معرفی می‌کرده‌اند و فقط در برخی از مناطق و ولایات مذهب خود را آزادانه آشکار می‌نمودند. آنچه مسلم است، شیعیان اسماعیلی در ولایات چون: بدخشان، کابل، بامیان، میدان، پروان، بغلان، کنر، لغمان، کاپیسا، سمنگان و زابل و... حضور دارند.

کتابنامه

-
- «اطلاعاتی درباره آفاخان‌ها»، وبسایت حوزه نت، تاریخ درج مطلب: ۵ شهریور ۱۳۸۵ ش.
- ادموند باسورث، کلیفورد، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، چ ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- اسماعیلیه، ویکی فقه تاریخ بازدید: ۱۶ فروردین: ۱۴۰۲.
- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، چ ۶، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- الامین، حسن، الاسماعیلیون و المغول و نصیرالدین طوسی، چ ۲، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق.
- بنیاد آفاخان افغانستان چیست/ از شبکه توسعه آفاخان چه میدانید؟، خبرگزاری اطلس، تاریخ درج مطلب: ۲۵ حمل (فروردین) ۱۳۹۸ ش.
- پرویز، عباس، تاریخ دیالمه و غزنویان، چ ۲، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- پیکار، نصیرالدین شاه، «بازتاب نمادین نور یزدانی در مراسم تشریفات مذهبی اسماعیلیان آسیای میانه» وبسایت سیمای شغنان، تاریخ بازدید: ۱۵ فروردین ۱۴۰۲.
- جمعی از نویسندگان، اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه یعقوب آژند، چ ۱، تهران، مولی، ۱۳۶۳.
- جمعی از نویسندگان، اسماعیلیه (مجموعه مقالات)، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰.
- خانوف، تیمور، تاریخ ملی هزاره، ترجمه عزیز طغیان، چ ۱، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۲.
- خواتی، شفق «اسماعیلیه در افغانستان» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تاریخ بازدید: ۱۵ فروردین ۱۴۰۲.
- خیرالدین الزرکلی مصری، الاعلام، ج ۱، ص ۳۰۷؛ عبدالحی حبیبی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، ص ۷۸۳-۷۸۴.
- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، چ ۱، تهران، فرزانه، ۱۳۷۸.
- _____، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ص ۱ (مقدمه).
- دولت‌آبادی، بصیر احمد، شناسنامه انقلاب افغانستان، قم، مؤلف، ۱۳۷۳.
- رازق مأمون، «چشم‌انداز یک دولت اسماعیلی در کنار افغانستان» وبلاگ اسماعیلیان

افغانستان، تاریخ بازدید: ۱۵ فروردین ۱۴۰۲.

ربانی گلپایگانی، علی، «فرق و مذاهب کلامی»، قم، ۱۳۹۳ ش، مرکز نشر جامعه المصطفی.
شاهزاده محمد، امید، «سنت «چراغ روشن کنی» اسماعیلیان آسیای میانه»، وبسایت رودکی،
دو فصلنامه پژوهش‌های زبانی و ادبی در آسیای مرکزی، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
در تاجیکستان، دوره ۷ شماره ۱۰ ص ۴۳-۵۲.

شریعتی، حفیظ، «کتاب هزاره‌های اهل سنت افغانستان»، وبسایت بامیان نیوز، بازدید: ۱۶
فروردین ۱۴۰۲.

شهرستانی، ملل و نحل، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۵ هـ ج ۱، ص ۲۲۶.

فدایی خراسانی، هدایه المؤمنین الطالبین، ص ۴۵.

کاتب هزاره ملا فیض محمد، سراج التواریخ، تهران، مؤسسه تحقیقات و انتشارات بلخ، ۱۳۷۳.

کریم آقاخان کیست؟ فرقه اسماعیلیه چیست؟ مجله موعود، شهریورماه ۱۳۹۶، شماره ۱۸۷.

لویس، برنارد، تاریخ اسماعیلیان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۶۲.

محمد شفق خواتی، پرتال جامع علوم (مجله طلوع، سال ۱۳۸۲، شماره ۷).

مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، چ ۱، تهران، فرزانه، ۱۳۷۸.

ناصر خسرو، زادالمسافرین، تهران، کتاب‌فروشی محمودی، بی‌تا.

ناصری داودی، عبدالمجید، تشیع در خراسان عهد تیموریان، چ ۱، مشهد، آستان قدس

رضوی، ۱۳۷۸.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، «قواعد العقائد» ۱۳۱۳ هـ، بیروت.

هاجسن، مارشال گ.س، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، کتاب‌فروشی تهران، ۱۳۴۳.

هالیستر، جان نورمن، تشیع در هند، ترجمه آزرمی دخت مشایخ فریدونی، تهران، مرکز نشر

دانشگاهی، ۱۳۷۳.

یزدانی، حسین علی حاج کاظم، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، چ ۲، قم، امین شریفی، ۱۳۷۲.